



جستاری در مهاجرت از دیدگاه اسلام (با تاکید بر جنبه جامعه شناختی و روانشناختی)

عاطفه شکیباراد^۱

هائیده صابری^۲

مهرداد ثابت^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۱/۰۲ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۳/۱۱

چکیده

با وجود آنکه هجرت یکی از کلیدواژه‌ها و مفاهیم بسیار حیاتی اسلام است، اما تبیین جامعی از این مفهوم در تطابق با مسایل روز جامعه به عمل نیامده است. این پژوهش در راستای این مساله بسیار مهم به بررسی جنبه‌های روانشناختی و جامعه شناختی مهاجرت از دیدگاه اسلام می‌پردازد. مهاجرت را با توجه به آیات و روایات می‌توان به انواع مختلف علمی، دینی، ظلم‌گریزی، درونی- الهی دسته‌بندی نمود. به استناد آیات و روایات، مهاجرت در هر زمان که حکمت و سبب آن در جامعه یافت شود واجب می‌گردد. فقه اسلامی جغرافیای جهان را به سرزمین دارالاسلام و دار الکفر تقسیم نموده که بر این مبنا مهاجرت به چهار دسته واجب، مستحب، جایز و حرام طبقه‌بندی می‌شود. این دسته‌بندی به‌ویژه در دوره معاصر توجه به وضع اقلیت‌های مسلمانان را در کشورهای غیراسلامی پررنگ نموده است. انگیزه‌های مهاجرت از دیدگاه اسلام دستیابی به گشایش و امنیت (روانی و اجتماعی)، تبلیغ و اظهار شعائر دینی؛ علم آموزی و فراگرفتن فنون در دیگر کشورها به منظور رفع نیازهای جامعه اسلامی است. دین اسلام به مسایل روانی مهاجرت توجه جدی داشته است. این مساله را می‌توان از مدیریت تعاملات فردی و اجتماعی میان گروه انصار و مهاجران در زمان پیامبر به خوبی ردیابی نمود. این مدیریت روانی و اجتماعی با پایه‌ریزی نظام اسلام در قالب احکام الهی که سر چشمه‌اش وحی و قوانین الهی بود، موجب مودت و برادری بین انصار و مهاجرین شد. با توجه به مبانی و مفاهیم اسلام درباره هجرت و مهاجرت لازم است سیاست‌گذاری‌های مهاجرتی کشور به گونه‌ای رقم بخورد که از فواید و ثمرات آن همه افراد جامعه اسلامی بهره‌مند شوند.

واژگان کلیدی: مهاجرت، هجرت، روانشناسی، جامعه شناختی، مهاجران، انصار، اسلام.

^۱ دانشجوی دکتری روان‌شناسی بالینی، دانشکده روان‌شناسی و علوم اجتماعی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران. atefeh.shakibarad@gmail.com

^۲ استاد یار گروه روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم اجتماعی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول): hayedesaberi@gmail.com

^۳ استادیار گروه روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم اجتماعی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران. mehrdadsabet@yahoo.com

۱- مقدمه

امروزه مهاجرت ابعاد بسیار گسترده‌ای در سطح جهان یافته است و از کوچک‌ترین بعد در سطح تعاملات فردی تا سطح کلان در روابط بین‌المللی آثار آن را به عینه می‌توان مشاهده نمود؛ با اینهمه با وجود آنکه هجرت یکی از کلیدواژه‌ها و مفاهیم بسیار حیاتی آیین جهانی اسلام است، اما تبیین جامعی از این مفهوم در تطابق با مسایل روز جامعه به عمل نیامده است. این پژوهش در راستای این مساله بسیار مهم به بررسی جنبه‌های روانشناختی و جامعه‌شناختی مهاجرت از دیدگاه اسلام می‌پردازد. اهمیت این مطالعه از آن جا ناشی می‌شود که «سرمایه انسانی عامل مؤثری در رشد و توسعه اقتصادی، پر کردن شکاف‌های فناوری، کاهش نقش ثروت‌ها و منابع زیرزمینی و افزایش نقش ویژگی‌های اکتسابی کشورهای درحال توسعه، محسوب می‌شود» (شاه‌آبادی و همکاران، ۱۳۸۵، ۸۱-۳۵؛ استارک و وانگ^۱، ۲۰۰۲، ۴۲)، و کمبود آن با مهاجرت نیروهای متخصص تربیت شده، فرایند توسعه را در کشورها به تاخیر می‌اندازد و اثرات جبران‌ناپذیری را در بخش‌های مختلف بر جای می‌گذارد (گروسی^۲، ۲۰۰۳، ۱۱؛ بوچر و همکاران^۳، ۲۰۰۷: ۴۱). از طرف دیگر پدیده مهاجرت با توسعه و گسترش دینی و یا جلوگیری از اشاعه آن ارتباط مستقیمی دارد.

سوال کلیدی این پژوهش آن است که دیدگاه اسلام درباره مهاجرت چیست و چه آثار روانی و اجتماعی بر اساس آموزه‌های اسلامی در مهاجرت قابل تامل و توجه است تا سیاست‌های کشور در حوزه مهاجرت به ویژه مهاجرت نخبه‌ها به سمت و سویی درست و صحیح رهنمون شود.

۲- بیان مساله

مهاجرت در زندگی بشر و پیشرفت علوم و به وجود آمدن تمدن‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای داشته و دارد. اصطلاح مهاجرت اساساً به عنوان "ورود افراد به شهر یا کشوری جدید برای سکونت دائمی" تعریف می‌شود (گروسی، ۲۰۰۳). با این حال، مقیم شدن افراد در خارج از کشور محل تولد خود برای حداقل یک سال را با عنوان مهاجرت مطرح می‌کند. مشخصه اصلی مهاجرت،

¹ Stark, O., & Wang, Y. Q.

² Garousi, V

³ Boucher, S., Stark, O., & Taylor, J.

قطع ارتباط تخصصی افراد با کشور خود است (کرینگتون و دترایگاش،^۱ ۱۹۹۹، ۹۹). در تعریفی دیگر، مهاجرت عبارت است از عبور از مرزهای سیاسی کشورها و تغییر محل اقامت برای مدتی طولانی بیش از یک سال. واژه مهاجرت مفهومی است که دامنه گسترده‌ای از جابه‌جایی‌ها و نقل و انتقالات بشری را شامل می‌شود. در اغلب موارد مهاجرت یکی از رفتارهای اجتماعی انتخابی است (زنجان، ۱۳۸۰، ۵). این رفتار موجب بروز تغییراتی در ساختارهای جمعیتی، انتقال فرهنگی و علمی و تغییراتی از این دست در کشورهای مختلف جهان می‌شود. هر چند تمام انواع مختلف مهاجرت دارای اشتراکات فراوانی با یکدیگرند اما هر یک از مهاجرت‌ها از قوانین و شرایط خاص خود تبعیت می‌کند.

پژوهش درباره مهاجرت بسیار دشوار است. طبق آمار رسمی وزارت امور خارجه در سال ۱۳۹۹، بیش از ۴ میلیون ایرانی در خارج از کشور هستند. آمریکا بیشترین ایرانی مقیم را دارد (۱ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر) و کانادا و انگلیس با اختلاف زیاد در رده ی دوم هستند (۴۰۰ هزار نفر). پس از آن امارات متحده عربی و آلمان قرار دارد (آمار رسمی وزارت امور خارجه، ۱۳۹۹). اطلاعات ما درباره علت‌ها، پس‌زمینه‌ها، محل و مدت اقامت مهاجرت بسیار اندک است (کوهل،^۲ ۲۰۰۷: ۷۰۸-۷۱۴). موضوع مهاجرت پدیده‌ای چند وجهی است، زیرا در عصر حاضر نمی‌توان از مهاجرت به عنوان مقوله‌ای ذاتا منفی نام برد، بلکه باید فرصت‌های ناشی از امکان مهاجرت را شناسایی و بهره‌برداری نمود. این نوع نگاه در نظریه جهانی شدن نیز مورد نظر بوده است، زیرا نظریه جهانی شدن معتقد است که جهانی شدن به ویژه "جهانی شدن بازار کار"، فرصت‌های جدیدی را برای استفاده بهتر از نیروی انسانی متخصص در مقیاس جهانی فراهم آورده و دسترسی متخصصان کشورهای در حال توسعه را به بازار کار پیشرفته صنعتی به مراتب افزایش داده است (محمدی الموتی، ۱۳۸۳، ۲۱۰). بنابر این ضروری است تا "مهاجرت" را از زوایای مختلف بررسی نمود. مسئله مهاجرت یک مسئله چند بعدی است که از ابعاد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و در نهایت جمعیتی می‌توان به آن توجه کرد. پدیده مهاجرت از حادثترین مسائل و مشکلات کشورهای در حال توسعه به ویژه ایران می‌باشد (کاظمی‌پور، ۱۳۹۰، ۴۰۲).

با وجود پرداختن به مساله هجرت در اسلام در برخی پژوهش‌ها، این مبانی کمتر در تطبیق با مسایل روز مهاجرت و ارائه بایدها و نبایدهای دینی مهاجرت به کار گرفته شده است. هجرت و

¹ Carrington, W. J., & Detragiache, E.

² Cuhls

مهاجرت جایگاه ویژه ای در اسلام دارد؛ چنانچه تقویم اسلامی بر مبنای هجرت قرار دارد. نظام اسلامی به جنبه‌های مختلف هجرت مانند ابعاد اجتماعی، سیاسی، حقوقی و حتی روانی و امنیتی توجه نموده است. شناسایی جنبه‌های روانی و اجتماعی مهاجرت از دیدگاه اسلام موضوع این نوشتار است و هدف آن است که با استخراج مبانی و مفاهیم اسلامی مهاجرت، این ابعاد با مسایل به روز مهاجرت و جنبه‌های مدرن آن تطبیق داده شود.

۳- مهاجرت (تعریف، انواع و تمایز مفهومی)

پدیده اصلی مورد مطالعه در این پژوهش مهاجرت از دیدگاه اسلام است. بر این اساس لازم است معنای لغوی و مفهومی مهاجرت در قران و روایات و مرزهای مفهومی و تمایز آن با دیگر مفاهیم مشخص و تعریف شود. "هجرت" از ماده "هجر" به معنای ترک و جدایی است، مهاجرت در اصل به معنای بریدن از دیگری و ترک وی است (راغب اصفهانی، ۵۳۶/۱). این معنا در آیه ۳۴ سوره نساء آمده است: «...وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ...»؛ در بستر از آنها دوری نمائید (سوره نساء، ۳۴). همچنین این معنا در آیه ۱۰ سوره مزمل خطاب به پیامبر اکرم (ص) ذکر شده است: «وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا»؛ و در برابر آنچه دشمنان می‌گویند، شکیبا باش و به طرزی شایسته از آنان دوری گزین (سوره مزمل، ۱۰).

لغت‌نامه دهخدا برای هجرت معانی مختلفی همچون: مفارقت و جدایی، ترک وطن و دوری از خانمان و مفارقت یاران و دوستان، جدائی از سرای و نشیمن را بیان نموده و به نقل از تعریفات سید شریف جرجانی آورده است که: هجرت در اصطلاح مسلمین، ترک وطن کفار و انتقال به دارالاسلام است. هجرت در فرهنگ اسلام به معنای ترک خانه و کاشانه و یاهر نوع انتقال با نیتی مقدس است. که هدف از آن رسیدن به کمال یا گریز از موقعیتی است که مزاحم کمال انسان در آن حضور دارد و از ارزش‌های اسلامی است.

در مجمع البیان، هجرت خارج شدن از بدویت و روی آوردن به مدنیت تعریف شده است (طبرسی، ۱۴۰۶ ق). به عبارت دیگر هجرت در برابر واژه تعرب به کار رفته است و تعرب به معنای بازگشت به بدویت و جاهلیت است. این مفهوم و معنا از هجرت در کلام امیرالمومنین علی (ع) نیز قابل استنتاج است. ایشان در خطبه قاصعه پس از آنچه افراد عصیانگر از اطرافیان خود را به سبب دست کشیدن آنها از ریسمان اطاعت و فرمانبرداری مورد نکوهش قرار می‌دهد، می‌فرماید: بدانید که بعد از هجرت به جاهلیت و بدویت رو آوردید (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲).

مهاجرت را با توجه به آیات و روایات می‌توان به انواع مختلفی دسته بندی نمود:

۳-۱ مهاجرت علمی

مهاجرت علمی از دیرباز از انواع مهم مهاجرت محسوب می‌شود. قرآن می‌فرماید: «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ (توبه، ۱۲۲). شایسته نیست مؤمنان همگی (به سوی میدان جهاد) کوچ کنند؛ چرا از هر گروهی از آنان طایفه‌ای کوچ [و هجرت] نمی‌کند تا در دین [و معارف و احکام اسلام] آگاهی یابند و به هنگام بازگشت به سوی قوم خود، آنها را بیم دهند؟»

توصیه به مهاجرت علمی از آموزه‌های مهم دین اسلام است. بر این اساس در روایات به مسلمانان توصیه شده است برای فراگیری علم اگر ضرورت داشته باشد تا مناطق جغرافیایی دوردست همچون چین مهاجرت کنند. در این باب پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند: «أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَكَلُوا بِالصِّينِ» (حرّ عاملی، ۱۴۱۲ ق، ۱۴/۱۸). برای کسب دانش اگر لازم باشد حتی به چین هم مسافرت و مهاجرت نمایید.

در این هجرت خدایسندانه هزاران ملک، طالب علم را بدرقه می‌کنند، چنان که پیامبر اسلام (ص) فرمودند: «مَنْ خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ يَطْلُبُ عِلْمًا شَبَعَهُ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلِكٍ يَسْتَغْفِرُونَ لَهُ» (مجلسی، ۱۴۰۴، ۱/ ۱۷۰) کسی که از خانه‌اش برای کسب علم خارج می‌شود، هفتاد هزار ملک او را بدرقه می‌کنند و برای او استغفار می‌نمایند.

مهاجرت علمی از جمله پدیده‌های مهم اجتماعی و فرهنگی و حتی سیاسی و اقتصادی است. از این نوع مهاجرت در مطالعات آسیب‌شناختی با عنوان فرار مغزها و نخبگان یاد می‌شود. آمار موجود درباره مهاجرت نخبگان آلوده به اغراض سیاسی است. طبق آخرین آمار رسمی ارائه شده از سوی سازمان ملل متحد، کشور ایران در بین ۷۲ کشور در حال توسعه جهان، رتبه سوم فرار مغزها را با توجه به جمعیت خود دارا بوده و همچنین مقصد بیش از نیمی از این نیروهای متخصص کشور آمریکا است (سایت سازمان ملل UN، ۲۰۱۳). اما بنیاد ملی نخبگان ایران معتقد است آمارهای ارائه شده درباره مهاجرت نخبگان ایرانی دروغین بوده که هدفی جز سیاه‌نمایی ندارد (سایت بنیاد ملی نخبگان، ۱۳۹۸). بر اساس تحلیل متفاوت این بنیاد، ایران در سال ۲۰۱۱، حائز رتبه ۱۲ در میان کشورهای اعزام کننده دانشجوی در دنیا بوده و جایگاهش در سال ۲۰۱۶ به رتبه ۱۸ تنزل یافته است. همچنین آماری نیز از سوی سازمان بین‌المللی مهاجرت (IOM) ارائه شده که براساس آمار سال ۲۰۱۸، تعداد دانشجویان مهاجر از ایران ۱۲ هزار و ۷۰۰ نفر بوده که این آمار دانشجویان ایران را در رتبه ۱۲ قرار داده است (سایت بنیاد ملی نخبگان، ۱۳۹۸).

۲-۳ مهاجرت دینی

متأسفانه در عصر کنونی بسیاری از مسلمانان جهان در کشورهای مختلف در معرض انواع خشونت‌ها و تبعیض‌ها قرار دارند؛ به طوریکه نمی‌توانند با آزادی آیین‌ها و مناسک دینی خود را اجرا کنند. به رغم ادعای مجامع بین‌المللی در آزادی و حقوق اقلیت‌های دینی، شیعیان بحرین و عربستان با انواع شکنجه‌ها مورد تهدید قرار می‌گیرند. محدودیت‌های دینی برای مسلمانان اوغور چین، شیعیان نیجریه، و نسل‌کشی مسلمانان در میانمار نمونه‌های دیگری از آزارهای دینی در عصر کنونی است؛ که آنها را مجبور به مهاجرت به کشورهای همجوار نموده است. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «مَنْ فَرَّ بِدِينِهِ مِنْ أَرْضٍ إِلَى أَرْضٍ وَإِنْ كَانَ شَيْراً مِنَ الْأَرْضِ اسْتَوْجَبَ الْجَنَّةَ»؛ (مجلسی، ۱۴۰۴، ۱۹/ ۳۱) کسی که برای حفظ دین و آئین خود از سرزمینی به سرزمین دیگر هجرت کند، استحقاق بهشت می‌یابد.

۳-۳ مهاجرت ظلم‌گریزی

مهاجرت مسلمانان علاوه بر جنبه‌های جلوگیری از برگزاری مناسک دینی و اظهار علائق دینی، می‌تواند نوعی فرار از ظلم و ستم حکومت‌ها و افرادی باشد که توان مقابله با آنها را ندارند. به ویژه در عصر کنونی، مدعیان حقوق بشر جهانی، با ظلم و ستمی که در حق پیروان ادیان مختلف انجام می‌گیرد برخورد گزینشی و تبعیض‌آمیز دارند. بر این اساس مهاجرت برای ظلم‌گریزی راهکاری مناسب تلقی می‌شود. در این باب قرآن می‌فرماید: «وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنُبَوِّئَهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً؛ آنها که مورد ستم واقع شدند و به دنبال آن در راه خدا مهاجرت اختیار کردند، جایگاه پاکیزه‌ای در دنیا به آنها خواهیم داد (نحل، ۴۱).

۴-۳ مهاجرت درونی و الهی

ذات و خمیرمایه ذاتی هجرت در حقیقت دوری از «ظلمت» به «نور» و از کفر به ایمان، از گناه و نافرمانی به اطاعت پروردگار متعال است؛ بر این مبنا در روایات آمده است مهاجرانی که جسم‌شان هجرت کرده اما در درون و روح خود هجرتی نداشته‌اند، در صف مهاجران نیستند و به عکس، آنها که نیازی به هجرت مکانی نداشته‌اند، اما دست به هجرت درونی زده‌اند، در زمره مهاجران هستند. در این باب امیرمؤمنان علی (ع) می‌فرماید: «وَيَقُولُ الرَّجُلُ هَاجَرْتُ وَلَمْ يَهَاجِرْ إِنَّمَا الْمُهَاجِرُونَ الَّذِينَ يَهْجُرُونَ السَّيِّئَاتِ وَلَمْ يَأْتُوا بِهَا» کسی می‌گوید مهاجرت کردم در حالی که

مهاجرت واقعی نکرده است، مهاجران [واقعی] آنها هستند که از گناهان هجرت کنند و مرتکب آن نشوند (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱۸/۱۴).

در قرآن کریم از زبان حضرت ابراهیم (ع) می‌خوانیم: «وَقَالَ إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (عنکبوت: ۲۶)؛ و [ابراهیم] گفت: من به سوی پروردگارم هجرت می‌کنم که او عزیز و حکیم است.

ممکن است مراد از این هجرت، هجرت از دست ظالمان، هجرت برای حفظ دین... و یا مراد از آن همان ظاهر آیه باشد؛ یعنی هجرت به سوی خداوند برای رسیدن به مقام نبوت یا مقام بالاتر و.. (فیض کاشانی، ۱۳۷۳، ۱۱۵/۴) و شاهد این مطلب این آیه است که: «وَقَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّي سَيَهْدِينِ»؛ من به سوی خدای خودم می‌روم و او مرا هدایت خواهد کرد (صافات، ۹۹).

جدول ۱: انواع مهاجرت

| انواع مهاجرت | اسناد قرآنی و روایی |
|---------------------|--|
| مهاجرت علمی | توبه، ۱۲۲؛ حرّ عاملی، ۱۴۱۲ق، ۱۸/۱۴؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱۷۰/۱ |
| مهاجرت دینی | مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱۹/۳۱ |
| مهاجرت ظلم‌گریزی | نحل، ۴۱؛ عنکبوت، ۲۶؛ صافات، ۹۹ |
| مهاجرت درونی و الهی | قمی، ۱۳۴۴ق، ماده هجر؛ عنکبوت، ۲۶؛ فیض کاشانی، ۱۳۷۳، ۱۱۵/۴؛ صافات، ۹۹ |

۴- وجوب یا عدم وجوب مهاجرت

به استناد آیه ۹۷ سوره نساء، ترک هجرت سبب عذاب الهی است و هجرت واجب است؛ بر این اساس، اگر انسان در جایی باشد که نتواند اقامه امر دین نماید و یا بداند که در جای دیگر بهتر می‌تواند اقامه حق کند و دوام بر عبادت داشته باشد باید مهاجرت کند (رشید رضا، ۱۳۲۸، ۳۵۵/۶). به دیگر معنا، انجام واجبات به صورت مخفیانه موجب ساقط شدن وجوب هجرت نمی‌شود، بلکه انسان‌ها باید بتوانند شعائر دینی را به صورت علنی انجام دهند و اگر این مصلحت یعنی امکان اقامه احکام و اظهار اسلام در جامعه‌ای تامین شود، وجوب هجرت از بین می‌رود (رشید رضا، ۱۳۲۸، ۳۵۵/۶).

روایات موجود هم بر وجوب هجرت تاکید دارند. امام علی (ع) می‌فرماید: «والهجرة قائمة علی حدها الا اول (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۹). بر اساس آنچه صبحی صالح در توضیح این عبارت بیان می‌کند، حکم وجوب هجرت برای هر کس که دعوت اسلام به او رسیده و اسلام را به

عنوان دین پذیرفته است، باقی است (صالح، ۱۳۷۹ ق). همچنین حدیثی از پیامبر اکرم (ص) بیانگر همین معنی است: لا تنقطع الهجرة حتى تنقطع التوبة، ولا تنقطع التوبة حتى تطلع الشمس من مغربها « (نجفی، ۱۴۱۲، ۳۶/۲۱). این دسته از روایت‌ها بر وجوب هجرت در همه زمان‌ها دلالت دارند و بر اساس آن‌ها انقطاع هجرت در هیچ زمانی جایز نیست.

با وجود صراحت آیه ۹۷ سوره نساء بر وجوب مهاجرت، روایاتی وجود دارد که با وجوب هجرت تعارض ظاهری دارند. از رسول اکرم (ص) روایت شده است: لا هجرة بعد الفتح (حر عاملی، ۱۴۱۲ ق، ۷-۳۶) که بر اساس آن هجرت با فتح مکه انقطاع می‌یابد.

با توجه به تعارض بین این دو دسته از روایات به نظر می‌رسد که انقطاع هجرت بعد از فتح مکه، اختصاص به هجرت از مکه به جای دیگر دارد. رشید رضا نیز در این زمینه معتقد است که پس از فتح مکه هجرت به صورت سابق یعنی حرکت از مکه به مدینه از میان رفت زیرا که مکه تبدیل به یک مرکز اسلامی شد (رشید رضا، ۱۳۲۸، ۳۶۱/۶). بر این اساس، هجرت به زمان خاص اختصاص ندارد، بلکه در هر زمان که حکمت و سبب آن در جامعه یافت شود واجب می‌گردد. در مورد از بین رفتن وجوب هجرت به واسطه فتح مکه می‌توان گفت مکه پس از فتح تحت حاکمیت اسلام قرار گرفت و آن حکمتی که قبل از فتح وجود داشت و وجوب آن را ایجاب می‌کرد پس از آن از بین رفته و گرنه حکم وجوب آن حکم عامی است که مکه به واسطه فتح تخصیصاً از آن خارج گردید. آیات قرآن هم که دلالت بر مشروعیت وجوب هجرت دارند دلایل آنها عام هستند و می‌توانند در زمان‌های مختلفی مصداق داشته باشند. به عبارت صریح تر، حکم هجرت تا زمان ما هم باقی است، چون اگر کسی در دارالحراب مسلمان شود و به دارالاسلام بیاید مهاجر است (طبرسی، ۱۴۰۶، ۸۶۱/۴).

۵- جغرافیا و وجوب مهاجرت از دیدگاه فقه

فقه‌های اسلام از دیرباز، جغرافیای دینی جهان را به دو نوع سرزمین، دارالاسلام و دار الکفر تقسیم کرده‌اند. بدون تردید تقسیم‌بندی جهان به دو نوع سرزمین، آثار و پیامدهایی به دنبال دارد که به ویژه آن را می‌توان در مساله مهاجرت مشاهده نمود. از منظر فقهی وجوب مهاجرت را از بر اساس نوع مبدا و مقصد می‌توان به چهار دسته طبقه بندی نمود:

۱-۵ مهاجرت واجب

به استناد آیات ۹۹ و ۱۰۰ سوره نساء آیه و آیه ۵۶ سوره عنکبوت در مورد مسلمانی که در

دارالکفر سکونت دارد و به سبب تنگناها و آزار کافران توانایی و آزادی عمل جهت انجام امور دینی و آشکار کردن شعائر اسلامی را ندارد، مهاجرت واجب است. شاید این حکم مورد اتفاق همه فقها باشد. علامه حلی تاکید دارند مهاجرت از سرزمین شرک بر کسی که در آن جا توان آشکار کردن شعائر اسلامی را ندارد واجب است (حلی، ۱۳۸۵، ۱/ ۳۰۸).

در عصر کنونی با توجه به وجود مجامع و دادگاه‌های بین‌المللی و فشار افکار عمومی، اقلیت‌های دینی باید از حقوق آزادی دینی برخوردار شوند و نباید مجبور به مهاجرت شوند؛ با وجود این برخی کشورها بی توجه به این فشارها، آزار و اذیت علیه اقلیت‌های دینی را ادامه می‌دهند. وضعیت مسلمانان اویغور چین و میانمار نمونه بارز این مساله است. همچنین شیعیان بحرین و عربستان تحت فشارهای شدید امنیتی قرار دارند و به آزادی نمی‌توانند مناسک مذهبی خود را اجرا کنند. برای نمونه در این باب، نظام حقوق بشر معاصر و سازوکارهای حمایتی بین‌المللی و منطقه ای در خصوص حمایت از شیعیان عربستان به خاطر برخی ملاحظات سیاسی و موقعیت خاص عربستان در جهان به عنوان یک کشور ثروتمند نفت خیز، نتوانسته اند آن چنان که باید از ایشان، دفاع موثری داشته که در برخی موارد با سکوت این نهادها همراه بوده و در پاره ای از زمان‌ها که گزارش‌هایی در این خصوص ارئه داده‌اند، هرگز زمینه‌ای برای فشار تأثرگذار بر دولت سعودی برای رفع تبعیض‌ها در مورد جامعه شیعه، فراهم ننموده است (HRW, 2009, P9).

۲-۵ مهاجرت مستحب

این مهاجرت به کسانی شامل می‌شود که در دارالشُرک سکنا دارند اما به دلایل مختلف توانایی انجام امور دینی خود را دارند. بر این اساس مهاجرت به دار الاسلام بر این عده واجب نیست؛ اما برخی فقها برای مستحب بودن این قسم مهاجرت استدلال می‌کنند با مهاجرت از آن جا، جمعیت دار الشُرک کاهش می‌یابد و از معاشرت مسلمانان با کافران جلوگیری به عمل می‌آید. ولی به نظر می‌رسد چنین مطلبی برای ثابت کردن استحباب کافی نیست، بویژه چه بسا ماندن مسلمانان در آن جا به مصلحت اسلام و سبب تواناسازی دین و تبلیغ آن و گرویدن شمار بیش تری به اسلام باشد، چنانچه امروزه شاهد چنین وضعیتی در کشورهای اروپایی و آمریکایی هستیم (کلانتری، ۱۳۷۵، ۳۲-۱۱۷).

نگاهی به وضعیت جمعیتی مسلمانان در اروپا می‌تواند ما را به این استدلال نزدیک کند که افزایش جمعیت مسلمانان در این قاره و دیگر قاره‌ها به نفع توسعه اسلام است. هرچند آمارهای

دقیقی از گرایش به اسلام و تازه مسلمانان در اروپا دسترس نمی‌باشد در این میان بزرگنمایی رسانه‌ای درباره جمعیت مسلمانان اروپایی در راستای تقویت پروژۀ اسلام‌هراسی نیز یکی دیگر از مشکلات موجود در ارائه ارزیابی علمی و دقیق از جمعیت مسلمانان اروپا می‌باشد. اسلام به عنوان بزرگ‌ترین اقلیت مذهبی در اروپا به حساب می‌آید. به گونه‌ای که در اروپای غربی، اسلام دومین دین پس از مسیحیت با ۶ درصد جمعیت کل منطقه است. در این میان، طبق تحقیقات اخیر مرکز آمار پیو در کل اروپا، جمعیت مسلمانان روسیه با ۱۴ میلیون نفر؛ یعنی ۱۰ درصد کل جمعیت این کشور بزرگ‌ترین جمعیت مسلمانان در قاره است. آلمان، فرانسه، انگلیس و ایتالیا به ترتیب، بزرگ‌ترین جمعیت مسلمانان را در میان کشورهای عضو اتحادیه اروپا در خود جای داده‌اند. از سال ۲۰۱۰، حدود ۸،۴ میلیون مسلمان در آلمان بوده‌اند که این معادل ۸،۵ درصد جمعیت این کشور است. این رقم در فرانسه، ۷،۴ میلیون؛ یعنی ۷،۵ درصد جمعیت این کشور است. بیش از ۵ درصد جمعیت قبرس، فرانسه، هلند، بلژیک، آلمان، اتریش و یونان را مسلمانان تشکیل می‌دهند. (هاکت^۱، ۲۰۱۵). نکته دیگر اینکه سهم مسلمانان از کل جمعیت اروپا، به طور پیوسته در حال افزایش بوده است. در دهه‌های اخیر، سهم و میزان جمعیت مسلمانان در سرتا سر اروپا، حدود ۱ درصد در هر ده سال بوده است؛ به این صورت که از ۴ درصد در سال ۱۹۹۲ به ۶ درصد در سال ۲۰۱۰ رسیده است. انتظار می‌رود که این روند تا سال ۲۰۳۰ هم ادامه یابد، زمانی پیش‌بینی می‌شود که مسلمانان ۸ درصد جمعیت اروپا را تشکیل بدهند. در این خصوص، مؤسسه پیو در بررسی دیگری به این موضوع اشاره کرده و تأکید می‌کند؛ جمعیت مسلمانان از ۶ درصد (۴۳ میلیون) در سال ۲۰۱۰ به ۱۰ درصد؛ یعنی ۷۱ میلیون نفر در سال ۲۰۵۰ خواهد رسید (سایت مؤسسه پیو،^۲ ۲۰۱۵).

۳-۵ مهاجرت جایز

به استناد آیه ۹۸ سوره نساء، از نظر گروهی از فقها، این قسم مهاجرت ویژه کسانی است که که در کشورهای کفر زیر فشار و تنگنا قرار دارند و در انجام امور دینی آزادی عمل ندارند، ولی به سبب وجود عذری، مانند: مریضی و پیری نمی‌توانند به دارالاسلام مهاجرت کنند (نجفی، ۱۴۱۲ق، ۲۱/۳۶)؛ إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانَ لَّا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ

¹ Hackett

² the Future of world Religion center, Pew research

سَبَّیًّا/ مگر آن گروه از مردان و زنان و کودکان که ناتوان بودند و گریز و چاره‌ای برایشان میسر نبود و راهی (به نجات خود) نمی‌یافتند. (نساء، ۹۸).

۵-۴ مهاجرت حرام

در سخنان فقها، سخنی از مهاجرت حرام به میان نیامده است. شاید بدین لحاظ که موردی برای آن نجسته اند، ولی به نظر می‌رسد این قسم نیز درخور تصور است؛ مثلاً در مورد دسته‌ای از مسلمانان که در درون دار الکفر و همجوار با مرزهای دار الاسلام، زندگی می‌کنند و در انجام امور دینی خود نیز هیچ مشکل و ناراحتی ندارند، ولی می‌دانند در صورت مهاجرت آنان به دار الاسلام، راه نفوذ کافران به دار الاسلام، هموار می‌شود و مرزهای اسلام آسیب پذیر خواهد شد (کلاتری، ۱۳۷۵، ۳۲-۱۱۷).

اما نکته بسیار مهم دیگر درباره جغرافیای مهاجرت مسلمانان هویت‌جویی آنها در کشورهای غربی است. واکنش مسلمانان نسبت به وضعیت خود در کشورهای غربی بویژه هویت‌جویی آنها در این جوامع، تحت تأثیر وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مسلمانان کشورهای غربی، سیاست دولت‌های غربی نسبت به کشورهای اسلامی و مشی سیاسی - اجتماعی تبعیض‌آمیز آنها در قبال مسلمانان جوامع خود و همچنین نگرش و رفتار شهروندان و رسانه‌های غربی متفاوت است. در این میان، با گسترش محدودیتها و همچنین در پرتو سیاست‌های ناکام ادغام‌گرایی یا همسان‌سازی اجتماعی که در برخی از کشورهای غربی اجرا شده است، طیفی از گرایش‌ها به جنبش‌های سیاسی - اسلامی میان گرایان، تجددخواهان و بنیادگرایان به وجود آمده است (محسنی، ۱۳۹۵، ۱۷۱-۱۷۲). در این میان، سه نگاه متفاوت نسبت به اسلام به عنان منبع هویت بخش در میان مسلمانان کشورهای غربی وجود دارد:

نگاه اول؛ اسلام را به عنوان یک دین خصوصی پذیرفته است. بر این اساس، بسیاری از مسلمانانی که در کشورهای غربی زندگی می‌کنند، میان شعائر اسلامی بسته به مرئی یا نامرئی بودن اجتماعی آن شعائر، تفکیک و مزیت قائل می‌شوند. درحقیقت، از انجام هرگونه تکلیف مذهبی که در معرض مشاهده عمومی باشد، پرهیز کرده و تنها آن شعائری را انجام می‌دهند که به راحتی در حریم خصوصی قادر به اجرای آن باشند. لذا به عنوان نمونه، نماز خواندن آنها نامرتب است، بسته به اینکه در موقع نماز خواندن در چه موقعیت زمانی و مکانی باشند. روزه می‌گیرند اما مراقبند کسی متوجه روز گرفتن هآن به عنوان یک مسلمان نشود. این سبک از دینداری، اگرچه ممکن است در میان لایه‌های اجتماعی مختلف مسلمانان دیده شود اما به نظر

در بین اقشار تحصیل کرده بیشتر دیده می‌شود. بنابراین، مسلمانان بسیاری وجود دارد که هویت یابی دینی آنها، موضوعی نسبتاً پنهان و پوشیده است. آنها از یکسو می‌خواهند مسلمان باشند و از سوی دیگر مایل نیستند که جلوه بیرونی رفتار مذهبی هالآن موجب تنگ شدن فضای عمل شان در جامعه میزبان گردد. این عده از مسلمانان بویژه مسلمانان آسیایی تبار چنان با فرهنگ غرب و جوامع میزبانان در آمیخته‌اند که گویی اصلاً آنان نبودند که تا چند دهه پیش در پیشاور و اسلام آباد زندگی می‌کردند (قربانپور دلاور، ۱۳۹۳، ۱۱۸).

نگاه دوم؛ دیدگاهی اخلاقی و فرهنگی نسبت به اسلام دارند. در این شکل از اسلام خواهی مسلمانان از یک سو دارای بالاترین حد از استقلال و اختیار در نحوه اعمال دینداری خود هستند و از سوی دیگر آنها به وجود یک خدای قادر و متعال ایمان کامل دارند. با اینکه مسلمانانی از این دست، عموماً سبک و سیاقی لیبرال در زندگی خصوصی خود دارند، اما تمام شعائر مذهبی را از خویش دور نمی‌سازند. چه بسا آنها می‌کوشند تا پایبندی خود را به برخی آداب و سنن دینی در مناسبت‌هایی چون ازدواج، خاکسپاری و ... حفظ نمایند. آنها درحقیقت خود را مومنینی غیر ملترم می‌دانند. به تعبیری؛ مسلمانانی که روایتی اخلاق گرایانه از اسلام دارند، به خدا و رسالت پیامبر اکرم (ص) ایمان و اعتقاد دارند اما به تکلیف مذهبی پایبند نیستند. این دسته از مسلمانان نه کاملاً آداب و سنن دینی را در جوامع غربی پس می‌زنند و نه می‌پذیرند بلکه تنها خود را ملزم به رعایت آن محدوده از تکلیف دینی می‌کنند که اختصاص به اعیاد و سنت‌های دینی دارد. مسلمانانی که معتقد به اسلام اخلاقی و فرهنگی هستند، خود به دو گروه تقسیم می‌شوند؛ آن عده که صرفاً مومنینی غیر ملترم به شعایر هستند و آن دسته که کلاً از اسلام و دستورات دینی فاصله گرفته‌اند. مسلمانان گروه نخست که شمارشان نیز بیشتر است، با سنتها و فرامین دینی طوری روبه رو می‌شوند که گویی انجام آنها یک هنجار یا بسته فرهنگی است تا وظیفه‌ای مذهبی. با این وجود، همان عده نیز یا احساس می‌کنند که لیاقت تمسک به شعائر دینی را ندارند و یا اینکه محیط و جامعه پیرامونی به آنها اجازه اجرای احکام و فرامین دینی را نمی‌دهد. مهاجرین طبقه کارگر که اطلاع و آگاهی چندانی از سنتها و آیین‌های دینی ندارند، عمدتاً در رده گروه نخست قرار می‌گیرند. بیشتر آنها هیچ گونه دوره آموزش قرائت قرآن را نه در خانواده و نه در خارج از خانواده (شامل؛ مدرسه، نهاد و اماکن دینی) طی نکرده‌اند. بر این اساس می‌توان چنین گفت؛ که رویکرد اخلاقی به اسلام به جای اشاره به اعمال و تکلیف دینی بر لزوم رعایت ارزش‌های اخلاقی و بشردوستانه نهفته در دین اسلام تاکید دارد. (محسنی، ۱۳۹۵، ۱۷۴)

نگاه سوم؛ به اسلام در میان مسلمانان اروپا، نگاهی بنیادگرایانه و سلفی است. یکی از دلایل اصلی در ایجاد این گرایش که عمدتاً نیز میان جوانان مسلمان شایع است، انواع تبعیض‌های اجتماعی و نیز زاغه نشینی فرهنگی و اجتماعی مسلمانان در جوامع غربی است. بسیاری از جوانان به حاشیه رانده شده مسلمان، چه مرد و چه زن، می‌کوشند تا با پیدا کردن هم سن و سال‌های خویش و ایجاد روابط گروهی مخالفت و سازش‌ناپذیری خود را نسبت به محیط اجتماعی ناسالم و تبعیض آمیز غربی حاکم بر اقلیت‌های مسلمان نشان دهند. مناسبات فرقه‌گرایانه از این دست اغلب در میان نحله‌های اعتقادی سلفی و وهابی به چشم می‌خورد (سزاری^۱، ۲۰۰۴، ۴۶-۵۳).

در مجموع، با وجود حضور سه نگرش نامبرده در میان مسلمانان غربی، امروزه مسلمانان کشورهای غربی به دلیل اینکه به عنوان اقلیتی دینی در فضای سکولار جامعه مدنی قرار گرفته‌اند، ضمن حفظ جنبه‌هایی از اسلام در زندگی خود، اغلب جریان حاکم سکولار را پذیرفته و خود را ملزم به رعایت قوانین غربی به عنوان جریان حقوقی حاکم کرده‌اند (محسنی، ۱۳۹۵، ۱۷۵). این مساله ضرورت توجه به مسایل این دسته از مهاجران را افزون کرده است.

۶- انگیزه‌های مهاجرت از دیدگاه اسلام

به استناد آیات قرآنی و روایات مهاجرت فواید و آثاری دارد که دستیابی به آنها از اساسی‌ترین انگیزه‌های مهاجرت است.

۶-۱ دستیابی به گشایش و امنیت (روانی و اجتماعی)

از ثمرات مهم مهاجرت، گشایش در زندگی و ارتقای امنیت در ابعاد مختلف از جمله امنیت روانی است. بر این اساس عامل اصلی مهاجرت را می‌توان در کلیدواژه «کیفیت زندگی» جستجو نمود. به این معنا که مهاجران نیازها و توقعاتی دارند که برآورده شدن آنها در جامعه بومی امکان‌پذیر نیست. این نیازها و توقعات را می‌توان در سه دسته اصلی قرار داد:

الف- برخی مهاجران کسب موقعیت بهتر اقتصادی و اجتماعی از جمله شغل بهتر، ازدواج با همسری ایده آل، و تامین آینده فرزندان را اولویت اصلی خود تلقی می‌کنند.

^۱ Cesari

طبق گزارش کمیسیون جهانی مهاجرت بین‌المللی (۲۰۰۵)، مهاجران معمولاً "در جستجوی شرایط بهتر اقتصادی برای خود و خانواده شان، اقدام به مهاجرت به سمت کشورهای پردرآمدتر می‌کنند؛ بنابراین، اعطای امتیازات خاص مالی، می‌تواند جاذبه زیادی برای افرادی ایجاد کند که شرایط اقتصادی کشورشان، آنها را وادار به مهاجرت کرده است. فرصت‌های شغلی بهتر و برخورداری از رفاه بیشتر دلیل خوبی برای مهاجرت خواهد بود. بر این اساس بیکاری و یا درآمد پایین عامل دافع‌های مهمی برای نخبه‌ها محسوب می‌شود که انگیزه آنها را برای مهاجرت افزایش می‌دهد.

ب- برخی مهاجران نیز بر نیاز به شکوفایی استعدادهای فردی و کسب توانمندی برای مشارکت فعال در جامعه تاکید دارند.

ج- برخی مهاجران بر نیاز به آزادی‌های مدنی و حقوق شهروندی تاکید دارند. این ارزشها به نظر آنها محیطی فراهم می‌کند که در آن به راحتی و در آرامش و شادی بتوان زندگی کرد. مقایسه کیفیت زندگی در مبداء و مقصد مهاجرت از جمله بسترهای موثر بر انگیزه‌های مهاجرت است.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید وَمَنْ يَهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاعِمًا كَثِيرًا وَسَعَةً ۚ وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ ۗ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (نسا، ۱۰۹).

و هر کس در راه خدا (از وطن خویش) هجرت کند در زمین برای آسایش و گشایش امورش جایگاه بسیار خواهد یافت، و هر گاه کسی از خانه خویش برای هجرت به سوی خدا و رسول بیرون آید و در سفر، مرگ وی فرا رسد اجر و ثواب چنین کسی بر خداست و خدا پیوسته آمرزنده و مهربان است.

بر این اساس خداوند، دست یابی به مکان امن و گشایش در امور زندگی را از فواید مهاجرت می‌شمارد. طبرسی در مجمع البیان، نیز معتقد است توسعه‌ای که به سبب هجرت حاصل می‌شود گشایشی است که پس از غلبه تنگناهای مشرکین بر مهاجرین به وجود می‌آید (طبرسی، ۱۴۰۶، ۱۵۳/۳). ثمرات مهاجرت نه تنها متوجه خود فرد بلکه متوجه فرزندان و نسل او نیز خواهد شد. امام صادق (ع) از رسول خدا (ص) نقل می‌کند: هَاجِرُوا تَوَرُّثُوا أَبْنَاءَكُمْ مَجْدًا. «با هجرت خود برای فرزندان بزرگی و عظمت به ارث بگذارید. (ابن بابویه، ۱۴۰۴، ۳۵).

خداوند به‌عنوان پاداش هجرت ابراهیم علیه‌السلام، بعد از آن به او نعمت‌های بزرگی از جمله؛ فرزندان لایق و شایسته که بتوانند چراغ ایمان و نبوت را در دودمان او روشن نگهدارند؛ در

دودمان حضرت ابراهیم علیه‌السلام نبوت و کتاب آسمانی قرارداد؛ پاداش دنیوی همچون نام نیک و لسان صدق فی الاخرین به او عنایت فرمود؛ در آخرت او را از صالحان، عطا فرمود. از طرف دیگر شاهد نمونه‌های تاریخی از مهاجرین و قرار گرفتن آن‌ها در کنار پیامبر (ص) از جمله سلمان فارسی و بلال حبشی هستیم که خود بیانگر شایسته‌سالاری و محوریت تقوا برای انسان‌ها در جامعه اسلامی است.

گشایش حاصل از مهاجرت فقط جنبه مادی و دنیوی ندارد، بلکه فرد مهاجر از این نظر که در زندگی اخروی خویش نیز به اجر الهی دست خواهد یافت، امنیت روحی و معنوی بیشتری به دست می‌آورد. امام صادق (ع) از رسول خدا (ص) نقل می‌کند: «... وَ مَنْ مَاتَ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ حُسْرًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ أَصْحَابِ بَدْرٍ»؛ هرکسی که در حال هجرت برای خدا از دنیا برود، روز رستاخیز با مجاهدان و شهیدان بدر محشور خواهد شد. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۴/ ۵۴۸). خداوند می‌فرماید: وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنُبَوِّئَنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً ۗ وَلَا جُزْءَ الْأَخِيرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ/ و آنان که در راه خدا مهاجرت کردند پس از آنکه ستمها (در وطن خود از کافران) کشیدند ما در دنیا به آنها جایگاه آسایش و نیکو می‌دهیم در صورتی که اگر بدانند اجری که در آخرت به آنها عطا خواهیم کرد بزرگتر (و بسیار بهتر و نیکوتر) است (سوره نحل، ۴۱)؛ در این آیه به مهاجرین وعده داده است که در دنیا به نتیجه هجرت خود دست می‌یابند و در آخرت نیز به پاداش اخروی آن می‌رسند. طبرسی صاحب مجمع البیان در تفسیر این آیه به هجرت مسلمانان اشاره می‌کند و مفارقت از وطن و سرزمین و اهل خانواده را که در راه خدا و رضای او پس از ستم مشرکین انجام می‌گیرد، موجب رسیدن به اجر دنیوی که عبارت از یافتن سرزمین نیکو به جای وطن قبلی است، می‌داند (طبرسی، ۱۴۰۶، ۵۵۶/۶) علامه طباطبایی در المیزان در تفسیر این آیه ذکر می‌کنند: آنها مهاجرت کردند تا جامعه اسلامی خوبی را تشکیل دهند که در آن جز خداوند عبادت نمی‌شد و در آن جزء به عدل و احسان حکم نمی‌گردید، یا در جامعه ای وارد شوند که دارای چنین شانی باشد (طباطبایی، ۱۴۱۱ق، ۱۲/۲۵۴).

نکته جالب در دیدگاه علامه طباطبایی این است که در هجرت، انگیزه‌ای فراتر از آرامش و امنیت اجتماعی یعنی تشکیل جامعه‌ای با محوریت قانون بر پایه عقل و انصاف است. بر این استدلال، هجرت صرفاً فرار نیست، بلکه حرکت به سوی جامعه‌ای است که در آن زمینه‌های کمال و سعادت انسانی فراهم شود.

علاوه بر پیامدهای مهاجرت، توجه به پیامدهای ترک هجرت نیز از دیدگاه قران قابل تامل است. به استناد آیه ۹۷ سوره نساء با توجه به سیاق آیات، مراد از "ظلم" در این آیه، ظلم به

خویشتن است و ظلم به خویشتن در اثر روی گردانی از دین خدا و ترک برپاداری شعائر الهی حاصل می‌شود و آن نیز در اثر زندگی در سرزمین کفر و شرک پدید می‌آید، انسان با زندگی در چنین محیطی عملاً راهی برای آموزش و عمل به معارف دین پیدا نمی‌کند. پس استصغاف آنان به طور مطلق نبوده بلکه استصغافی بوده که خودشان خود را با سهل انگاری به آن دچار کردند و می‌توانستند با مهاجرت از سرزمین شرک به سرزمین ایمان، خود را از آن برهانند (طبرسی، ۱۴۰۶ق، ۵ / ۷۶).

۶-۲ تبلیغ و اظهار شعایر دینی

انگیزه مهم دیگر برای مهاجرت آن است که شخص مسلمان به راحتی و در امنیت روانی و جسمی بتواند فرایض دینی خود را به جای آورد و آیین خود را تبلیغ نماید. در تفسیر المنار بیان شده است: کسی که می‌تواند هجرت کند شرط صحیح بودن اسلام اوست» (رشید رضا، ۱۳۲۸، ۳۵/۶). در وجوب هجرت، اظهار شعائر اسلام به عنوان فلسفه وجوب بیان شده است (نجفی، ۱۴۱۲، ۳۴ / ۲). مستند وجوب هجرت، برای بیان و اظهار شعایر دینی نیز آیه ۹۷ سوره نسا است که در آن به سوال ملائکه که به هنگام قبض روح برخی از انسان‌ها اشاره شده است که می‌پرسند: فیم کنتم که لحنی تویخی است نسبت به کسانی که توان مهاجرت داشتند و مهاجرت نکردند و می‌پرسند: چرا در چیزی از امور دین وارد نشدید (رشید رضا، ۱۳۲۸، ۳۵/۶)، ولی آنان در پاسخ عذر می‌آورند و می‌گویند: کنا مستضعفین فی الارض». ملائکه به آنها می‌گویند: الم تکن ارض الله واسعه فتهاجرو فیها» آنگاه می‌فرماید: فاولئک ماویهم جهنم و ساوت مصیرا".

آنچه در روایات به عنوان فلسفه وجوب هجرت بیان شده است، اظهار شعایر و تبلیغ دین است، زیرا که چه بسا برای مسلمان حتی در شرایط سخت، انجام عبادات به صورت پنهانی ممکن بود؛ ولی آنچه باعث گسترش اسلام شد، زنده کردن شعایر دینی و اظهار آن و ابلاغ به جوامع دیگر بود که در هجرت تامین گردید. در بعد عملی مهمترین پیامد هجرت در تاریخ زندگی پیامبر صلی الله مورد بررسی قرار می‌گیرند که عبارتند از: تبلیغ و گسترش اسلام، ایجاد وحدت دینی، تدوین قانون، تامین امنیت مرزها؛ ایجاد سازمان رزمی، بیان و تفصیل آیات احکام.

۷- جنبه‌های روانی و اجتماعی مهاجرت

مهاجرت، در طول تاریخ یکی از راه‌حل‌های نوع بشر برای حل کردن مشکلات خود بوده و همواره به عنوان گزینه‌ای جدی، در ذهن افراد فعال بوده است. امروزه نیز همین گونه بوده و

بسیاری کشورها، بسته به مجموعه شرایط خود، به عنوان مبدأ و یا مقصد مهاجران شناخته می‌شوند. اما از آنجا که مهاجرت، با ورود به دنیایی جدید و ناشناخته همراه است، می‌تواند حجم بالایی از اضطراب و ابهام را نیز با خود به همراه آورد. در همین حال هر فرد مهاجرت با مجموعه‌ای از دغدغه‌های ذهنی مانند وضعیت کاری پس از مهاجرت، تسلط به آداب و معاشرت، انجام امور روزمره زندگی و بسیاری عوامل دیگر روبروست. همزمانی همه این عوامل می‌تواند موجب تشدید مشکلات شده و باعث افزایش تنش‌ها در فرد مهاجر و یا خانواده وی شود. روانشناسی مهاجرت، فرآیند پرداختن به مشکلات، دغدغه‌ها و ابهام‌های فرد مهاجر است. شکی نیست که بهتر و هوشمندانه‌تر آن است که هر فرد مهاجر، قبل از ورود به مقصد خود و پیش از آنکه مشکلات مجال بروز بیابند، راه‌های علاجی برای آنها در نظر گرفته باشد. بر این اساس دین اسلام که بر مساله هجرت تاکید ویژه‌ای دارد به مسایل روانی مهاجرت توجه جدی داشته است. این مساله را می‌توان از مدیریت تعاملات فردی و اجتماعی میان گروه انصار و مهاجران در زمان پیامبر به خوبی ردیابی نمود. مهاجران گروهی از مسلمانان شهر مکه بودند که به منظور حفظ جان و عقیده خود مکه را ترک کرده و به شهر مدینه مهاجرت کردند. انصار، یا انصار النبی (ص) لقب مسلمانان مدینه از تیره‌های اوس و خزرج که پیش از هجرت، با پیامبر اکرم (ص) هم پیمان شدند و پس از هجرت در حمایت و یاری آن حضرت و مهاجران، پایداری کردند. در دو آیه ۱۰۰ و ۱۱۷ سوره توبه، این دو عنوان در کنار هم آمده است: «وَالْأَنْصَارِ» (توبه، ۱۰۰). و «لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ...» (توبه، ۱۱۷).

پیامبر (ص) با در نظر گرفتن مسایل روانی و اجتماعی مرتبط با مدیریت تعاملات فردی و اجتماعی میان مهاجران و انصار، پیمان برادری بست و انصار متعهد شدند که میان خود و مهاجران به دادگری و برادری و برابری حکم کنند و در همه حال به یاری هم برخیزند (جاحظ، ۲۰۰۲، ۲/ ۲۱۹). این مدیریت روانی و اجتماعی با پایه‌ریزی نظام اسلام در قالب احکام الهی که سر چشمه اش وحی و قوانین الهی بود، موجب مودت و برادری بین انصار و مهاجرین شد. با اینهمه در روزگار پیامبر (ص) و پس از آن، هریک از دو گروه به رغم برادری و برابری، تمایزات قبیله‌ای خود را حفظ کرده، گاه به تفاخر می‌پرداختند آنها به ویژه پس از پیامبر (ص)، به صورت دو جریان تاریخی و سیاسی درآمدند و به رقابت پرداختند.

اسلام وابسته و محدود به مکان و محیط معینی نیست و به این ترتیب علاقه‌های افراطی به محیط تولد و زادگاه و دیگر علایق مختلف از نظر اسلام نمی‌تواند مانع از هجرت مسلمان باشد. هجرت یکی از بسترهای مهم توسعه و شکل‌گیری جامعه نبوی بوده است. بررسی آثار هجرت

در سیره عملی پیامبر اسلام بیانگر آن است که این هجرت به انگیزه‌های مختلفی از جمله تامین امنیت اجتماعی و دینی مسلمانان و پیدا کردن نقطه امنیت برای تبلیغ و گسترش اسلام صورت گرفت و پیامدهای بسیار عظیم برای جامعه نوپای اسلامی داشت؛ به گونه‌ای که به عنوان بزرگترین واقعه در تاریخ زندگی پیامبر و همچون نقطه عطفی در زندگی اجتماعی مسلمانان دانسته شد و بسیاری از حوادث بزرگ دیگر با آن سنجیده می‌شوند و شواهد تاریخی بیانگر آن هستند که هجرت پیامبر از مکه به مدینه سرآغاز حرکت نوینی در شکل‌گیری نظام اسلامی شد و بی‌جهت نیست که با وجود حوادث مهمی در تاریخ اسلام همچون تولد پیامبر و بعثت آن حضرت، نظریه اهمیت تاریخی هجرت، این واقعه به پیشنهاد حضرت علی مبدا تاریخ قرار گرفت (طبری، ۱۴۰۹، ۱۱۲/۲).

بنابراین اگر به استناد آنچه بیان شد و شواهد تاریخی نیز در آن حکم می‌کنند و قرآن کریم نیز موید آن است ادعا کنیم که انگیزه اساسی پیامبر از هجرت به مدینه تمرکز بخشیدن به نظام سیاسی اسلام بود سخنی به گزافه نگفته ایم، زیرا که اسلام قبل از هجرت، به عنوان نهضتی فکری عقیدتی و سیاسی مطرح بود که با بعثت آغاز شد و اگر این نهضت می‌خواست از جنبه نظری فراتر رود و به عمل بیبوندند، نیازمند تبدیل شدن به یک نظام بود، نظامی که بر محور خداپرستی و عدالت و احسان در حکم و داوری باشد.

۸- نتیجه‌گیری

با وجود نقش هجرت به عنوان یکی از کلیدواژه‌ها و مفاهیم بسیار حیاتی آیین جهانی اسلام، تبیین جامعه‌ای از این مفهوم در تطابق با مسایل روز جامعه به عمل نیامده است. نظام اسلامی به جنبه‌های مختلف مهاجرت مانند ابعاد اجتماعی، سیاسی، حقوقی و حتی روانی و امنیتی توجه نموده است. این پژوهش در راستای این مساله بسیار مهم به بررسی جنبه‌های روانشناختی و جامعه‌شناختی مهاجرت از دیدگاه اسلام پرداخت. مهاجرت را با توجه به آیات و روایات می‌توان به انواع مختلف علمی، دینی، ظلم‌گریزی، درونی و الهی دسته‌بندی نمود. به استناد آیات و روایات مهاجرت به زمان خاص اختصاص ندارد، بلکه در هر زمان که حکمت و سبب آن در جامعه یافت شود واجب می‌گردد. فقه اسلامی، جغرافیای دینی جهان را به دو نوع سرزمین، دارالاسلام و دارالکفر تقسیم نموده که بر این مبنا از منظر فقهی مهاجرت را می‌توان به چهار دسته واجب، مستحب، جایز و حرام طبقه‌بندی نمود. این دسته‌بندی به ویژه در دوره معاصر

توجه به وضع اقلیت‌های مسلمانان را در کشورهای غیر اسلامی در نقاط مختلف جهان و وضعیت اقلیت‌های شیعیان را در کشورهای دیگر اسلامی را پررنگ نموده است. انگیزه‌های مهاجرت از دیدگاه اسلام به استناد آیات قرآنی و روایات دستیابی به گشایش و امنیت (روانی و اجتماعی)، و تبلیغ و اظهار شعاير دینی است. همچنین علم آموزی و فراگرفتن فنون در دیگر کشورها به منظور رفع نیازهای جامعه اسلامی بر اساس آموزه‌های دینی قابل استنتاج است. این مساله در دوره معاصر با توجه به سطح توسعه بالای کشورهای غربی در مقایسه با کشورهای اسلامی موجی از مهاجرت مسلمانان را به کشورهای غربی به راه انداخته است. هرچند این مهاجرت، مشکلات توسعه را برای کشورهای مسلمان به همراه داشته است اما در توسعه و گسترش دین اسلام در کشورهای غربی نقشی کلیدی داشته است.

دین اسلام به مسایل روانی مهاجرت توجه جدی داشته است. مدیریت روانی و اجتماعی اسلام با پایه‌ریزی نظام اسلام در قالب احکام الهی که سر چشمه‌اش وحی و قوانین الهی بود، موجب مودت و برادری بین انصار و مهاجرین شد.

هجرت یکی از بسترهای مهم توسعه و شکل‌گیری جامعه نبوی بوده است. هجرت مبدأ تاریخ مسلمانان و زیربنای حوادث سیاسی، تبلیغی و اجتماعی آنان است. در اسلام با وجود حوادث مهمی دیگر تنها زمان هجرت پیامبر اکرم (ص) به عنوان مبدأ تاریخ انتخاب شد و مسلمانان تمام حوادث را با سال هجری تعیین می‌کردند، هر چند طبری و یعقوبی نظرشان این است که در زمان خلیفه دوم که اسلام توسعه یافته بود، به فکر تعیین مبدأ تاریخی که جنبه عمومی و همگانی داشته باشد، افتادند و پس از گفتگوی فراوان نظر علی علیه السلام را دائر بر انتخاب هجرت به عنوان تاریخ پذیرفتند (طبری، ۱۴۰۸، ۲ / ۳ و ۵۱۶؛ یعقوبی، ۱۳۶۲، ۲ / ۲۹).

با توجه به مبانی و مفاهیم اسلام درباره هجرت و مهاجرت می‌توان گفت که مهاجرت، مساله حیاتی در حیات اجتماعی مسلمانان است که هم از ابعاد اجتماعی و هم روانی برخوردار است. با توجه به تاکید اسلام بر مهاجرت به منظور گشایش و راهکاری برای افزایش امنیت فردی و اجتماعی لازم است سیاستگذاری‌های مهاجرتی کشور به گونه ای رقم بخورد که از فواید و ثمرات آن همه افراد جامعه اسلامی بهره مند شوند. بسیاری از مهاجران مسلمان اگر شرایطی مشابه کشورهای اروپایی و آمریکایی در کشورشان فراهم شود، می‌توانند در آنجا ماندگار شوند. این راهبرد را می‌توان راهبرد تشویق مقابله‌ای نامید. اساس این راهبرد این است که هر آنچه دیگران پیشنهاد می‌کنند ما بهتر و بیشتر از آنها به شما پیشنهاد می‌کنیم. همچنین برخی مهاجران علاقه زیادی به کشورشان دارند و حاضرند هرچند مدت یکبار در کشور زادگاه خود

حضور یابند و هر کمکی از دستشان بر می‌آید برای میهن خود انجام دهند. از این حس علاقه می‌توان در راهبردی که به عنوان "استراتژی بازیافت" ذکر می‌شود بهره گرفت (چلبی، ۱۳۸۵، ۳۳۰). از طرف دیگر با توسعه بانک اطلاعات متخصصین ایرانی مهاجر می‌توان ضمن برقراری همکاری و ارتباط علمی از این افراد در جهت رشد و توسعه کشور بهره برد. خوشبختانه دعوت از نخبه‌های ایرانی خارج از کشور در همایش‌های علمی و فرهنگی داخلی فرصت خوبی در این راستا است. بسیاری از نخبه‌های مهاجر در ایام تعطیلات برای دیدار اقوام خود به ایران مسافرت می‌کنند این ارتباطات صمیمانه می‌تواند حس وطن دوستی و حس تعلق به سرزمین آبا و اجدادی را در آنها زنده کند (میرزامحمدی، ۱۳۹۶، ۱).

همچنین لازم است با ارتباطات فرهنگی و حتی چهره به چهره با مسلمانان مهاجر کشورهای دیگر، مساله هویت جویی آنها به دقت حل‌اجی شود. اینکار از آنجا ضرورت دارد که برخی مسلمانان مهاجر به تدریج هویت اسلامی و بومی خود را در هویت جامعه بزرگ و اکثریت از دست می‌دهند. فعال کردن سفارتخانه‌ها در جهت ارتباط و تعاملات بیشتر با این افراد بسیار راهگشا خواهد بود.

منابع

۱. ابن بابویه، علی بن حسین (۱۴۰۴ق) الإمامة و التبصرة من الحيرة، المقدمة، قم، مدرسه الإمام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف.
۲. بنیاد ملی نخبگان (۱۳۹۸) گزارش رسانه خارجی درباره مهاجرت نخبگان صحت ندارد، سایت معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری <http://isti.ir> مورخه ۱۳۹۸/۰۶/۰۲، معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری: رصدخانه مهاجرت ایران.
۳. جاحظ، عمرو بن بحر (۲۰۰۲) البیان و التبیین، محقق، علی بو ملحم، بیروت: دار و مکتبه الهلال.
۴. چلبی، مسعود (۱۳۸۵) تحلیل اجتماعی در فضای کنش، تهران: نشر نی.
۵. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۲ق) وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۶. حلی، جعفر بن حسن محقق (۱۳۸۵) شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ویراستار: عبدالحسین محمدعلی بقال، قم: بنیاد معارف اسلامی.
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد بن مفضل (۱۴۰۴ق) مفردات راغب، قم: دفتر نشر الکتاب.

۸. رشید رضا، سید محمد (۱۳۲۸) تفسیر قرآن کریم مصر: المنار.
۹. شاه آبادی، ابوالفضل؛ کریم کشته، محمدحسین و محمودی، عبدالله (۱۳۸۵) بررسی عوامل مؤثر بر فرار مغزها (مطالعه موردی ایران)، پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۱۰، ۳۹-۸۱.
۱۰. صالح، صبحی (۱۳۷۹ ق) علوم حدیث و مصطلحه، دانشگاه دمشق.
۱۱. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۱ ق) المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۲. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن (۱۴۰۶ ق) مجمع البیان فی تفسیر القرآن، قم: ناصر خسرو.
۱۳. طبری ابن جعفر محمد بن جریر (۱۴۰۹ ق) تاریخ الامم و الملوک، بیروت: موسسه العلمی للمطبوعات.
۱۴. طبری، ابن جریر (۱۴۰۸ ق) تاریخ طبری، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۱۵. یعقوبی، ابن واضح (۱۳۶۲) تاریخ یعقوبی، ترجمه دکتر ابراهیم آیتی، تهران: مرکز انتشارات علمی،
۱۶. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۳۷۳ ش) الصافی فی تفسیر القرآن، تهران: مکتبه الصدر.
۱۷. قربانپور دلاور، محمد (۱۳۹۳) وضعیت مسلمانان اروپا و چالش‌های فراروی و چشم‌انداز آینده، پژوهش‌های منطقه ای، شماره ۳.
۱۸. قمی، شیخ عباس (۱۳۴۴ ق) سفینه البحار، قم: دار الاسوه.
۱۹. کلانتری، علی اکبر (۱۳۷۵) دارالاسلام و دارالکفر و آثار ویژه آن دو، دوره ۳، شماره ۱۰، ۳۲-۱۱۷
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق) الکافی، محقق، مصحح، غفاری، علی اکبر، آخوندی، محمد، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۲۱. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ ق) بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۲. محسنی، علی (۱۳۹۵) زمینه‌ها و چالش‌های هویتی فراروی مسلمانان در اروپا، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام (علمی - پژوهشی)، سال پنجم، شماره ۲۰، ۱۵۵-۱۷۸.
۲۳. میرزاحمدی، علی (۱۳۹۶) راهبردهای ملی حمایت و حفاظت از نخبه‌ها، روزنامه آفتاب یزد، زمان انتشار: ۰۷ مرداد ۱۳۹۶.
۲۴. نجفی، محمدحسن (۱۴۱۲ ق) جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، بیروت: موسسه المرتضی العالمیه.

25. Boucher, S., Stark, O., & Taylor, J. (2007). A gain with a drain? Evidence from rural Mexico on the new economics of the brain drain. Mimeo, University of Bonn.
26. Carrington, W. J., & Detragiache, E. (1999). How extensive is the brain drain? A quarterly magazine of the IMF, 36 (2), 98-102.
27. Cesari, Jocelyne (2014) When Islam and Democracy Meet: Muslim in Europe and in the United States, New York, Palgrave.
28. Cuhls, K. (2007) "The brain drain problem, Technological Forecasting and Social Change". Volume 74, Issue 5, Pages 708-714.
29. Garousi, V. (2003). A Survey on the Immigration of Iranian Experts and the Elite: Reasons, Losses and Possible Solutions. Conference Paper.
30. Hackett Conrad (2015) 5 facts about the Muslim population in Europe, January, <http://www.pewresearch.org/>
31. Human Rights Watch Denied Dignity, Systematic Discrimination and Hostility toward Saudi Shia Citizens, 2009.
32. Pew Research Center (2015) The Future of world Religion center, <https://www.pewresearch.org/about/>